

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی – افغانستان/ جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۱۴ اپریل ۲۰۲۵

درباره اعتراضات توده نی ترکیه علیه حکومت اردوغان و زمینه های آن

علی، جوان ۲۲ ساله در رابطه با اعتراضات اخیر ترکیه می گوید: «ما از اوضاع کنونی متنفریم. ما نگران زندگی و آینده هستیم... با نشستن و منتظر ماندن هیچ چیز تغییر نمی کند... باید همگی برای کسب حقوق خود به پا خیزیم..» مسعود پسر جوان دیگری می گوید: «ما نیاز به یک دیدگاه روشن و سازماندهی داریم. نیاز به یک برنامه و نقشه راه شفاف داریم»

دستگیری اکرم امام اوغلو شهردار استانبول و کاندید ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه خلق به جرمهای فساد اقتصادی و امنیتی (کمک به پ کا کا) جرعه ای بر باروت "زیر" خاکستر بود. میلیونها نفر از ۱۹ مارچ ۲۰۲۵، در این اعتراضات شرکت نموده و با وجود سرکوبهای شدید، حکومت نظامی و بستن جرایم سنگین به دستگیر شدگان، اعتراضات کماکان ادامه دارد. مردم از پیر و جوان، زن و مرد، اقشار مختلف از جمله کارگران و سایر زحمتکشان، دانشجویان و روزنامه نگاران، وکلاء، روشنفکران..... به مبارزات پیوسته اند. حکومت اردوغان بیش از هر کس دیگر به تضادهای عمیقی که جامعه ترکیه با آن دست و پنجه نرم می کند، آگاه است. یک دست کردن حکومت و در خدمت گیری نزدیکان خود در حکومت که از سالها پیش به کار گرفته شده به پایان خط رسیده و کارائی خود را از دست داده است. وی می داند که اوضاع بسیار بحرانی است و برای غلبه بر آن مجبور است به اقداماتی با ریسک بالاتر دست بزند تا شاید بتواند به حکومتش ادامه دهد. حکومت اردوغان فکر می کرد که با پیشرویهایی برون مرزی - همچون نفوذ سیاسی در حکومت سوریه از طریق نیروهای وابسته به خود و همچنین وادار کردن پ کا کا به تسلیم که با توافق اوجالان صورت گرفت، قادر خواهد بود رقبای آینده و کنونی خود را از میدان بدر کند. اما اوضاع بحرانی تر از آن است که این «دستاوردها» در عرصه منطقه نی برای دولت ترکیه بتواند تضاد میان مردم با کل نظام را تخفیف دهد.

تضادهای ساختاری دولت وابسته ترکیه و حکومت اردوغان!

از زمان فروپاشی روسیه و بلوک شرق در اوائل سالهای ۱۹۹۰ و به دنبال آن عروج چین به مثابه یک کشور امپریالیستی، بلوک غرب و پیمان نظامی ناتو را با شرایط نوینی روبه رو ساخته است. دولت ترکیه و ارتش «ناتو» نی اش که از لحاظ تعداد پرسنل نظامی بعد از امریکا قرار دارد - اهمیت و موقعیت گذشته خود را تا حدودی از دست داد.

اشغال نظامی عراق و افغانستان نیز نتوانست نیازهای ستراتیژیک امریکا را بر آورده کند و به نفوذ چین و روسیه دوباره جان گرفته دامن زد. نزدیکی و در یک جبهه قرار گرفتن ایران و نیروهای نیابتی اش در منطقه در کنار چین و روسیه، تمرکز امریکا و ناتو را در خاورمیانه برای تقویت پایگاههای نظامی و مهمتر از همه اسرائیل را شدت بخشید. با آغاز جنگ در سوریه و اشغال نظامی آن توسط روسیه، ایران و حزب الله لبنان... همچنین مهاجرت نزدیک به ۵ میلیون آواره سوریه ئی به ترکیه و ادامه کشمکشها و تغییرات در آرایش قوای امپریالیستی که ریشه در بحرانهای عظیم کل نظام سرمایه داری - امپریالیستی دارد، تأثیرات خود را بر دولت وابسته به امپریالیسم ترکیه نیز گذاشته بود. این مسأله همراه بود با افزایش بودجه های نظامی و مخارج عظیم تشکیل و عملیاتی نمودن نیروهای نیابتی و عملیاتیهای جنگی در کردستان ترکیه و سوریه که باعث کسری های کلان بودجه دولت و حکومت اردوغان شد. به دنبال آن دولت با خروج سرمایه های امپریالیستی و حتی خروج سرمایه های سرمایه داران وابسته روبه رو شد که به تورم شدید - ۵۰ درصدی، توقف بسیاری از پروژه های بزرگ، بیکاری و گسترش فقر دامن زد. این ضربه های اقتصادی همراه با نزول شدید ارزش پول ترکیه به بحرانهای شدید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جدی منجر گشت. تنها در سه روز اول از آغاز اعتراضات، بانک ملی ترکیه برای حفظ ارزش لیر بیش از ۲۵ میلیارد دالر وارد بازار نمود، اما نتوانست از نزول ارزش لیر جلوگیری کند و بانک ملی ترکیه اعلام نمود که در صورت تکرار، دیگر توانایی میانجیگری همچون گذشته را نخواهد داشت. بازار بورس ترکیه اجازه خرید های کوتاه مدت را قطع نمود تا از نزول شدید ارزش سهام کمپانیها جلوگیری نماید.

تلاش اردوغان در این پروسه برای نزدیکی به روسیه و چین که سرمایه گذاری ها و وام های چین و همچنین واردات نفت و گاز روسیه با قیمت تخفیفی و بالاخره خرید راکت های S-400 از روسیه و تقاضای عضویت در پیمان شانگهای با وجود عضویت در ناتو را به همراه داشت، که باعث تضادهای بیشتر با امریکا و اروپا گشت و بحرانهای ساختاری و موقعیت ترکیه را ضربه پذیرتر نمود. اقتصاد ترکیه وابستگی شدیدی به واردات انرژی، فناوری، سرمایه گذاریها به ویژه خارجی، صنعت توریسم خارجی و صادرات دارد. از این جهت شدیداً تحت تأثیر نوسانات مالی به ویژه ارزش ارز قرار دارد. همچنین تحولات بین المللی به ویژه در منطقه تأثیرات مهمی در اقتصاد و سیاست ترکیه می گذارد. جنگ اوکراین نمونه بارز آن است که نه تنها باعث تغییرات در آرایش قوای منطقه ئی شده بلکه تأثیرات جهانی مهمی نیز داشته است. ترکیه از یک طرف به اوکراین سلاح می فرستد و از طرف دیگر مخالف تحریمهای غرب علیه روسیه است. این بند بازیها و استفاده از تضادها همزمان می تواند بر اثر تغییر در توازن قوای امپریالیستی و تأثیرات آن در ساختار دولتی، اقتصاد و قدرت سیاسی حاکم زلزله ایجاد نموده و آن را از قدرت ساقط کند. اما اردوغان برای بقاء و گرفتن امتیاز مجبور است چنین عمل کند.

اما این «آزادی» در بند بازی با جهت گیری فاشیستی در ستراتیژی امپریالیسم غرب می تواند اردوغان را از بند بیندازد. اردوغان بسیار تلاش نمود با تصفیه حسابهای سیاسی و امنیتی، بر اوضاع مسلط شود، اما تضادهای موجود بسیار عمیق تر از آن بود که با «حل مشکلات از بالا» بر آنها غلبه کند: سرکوبهای عظیم سیاسی - امنیتی متعاقب «کودتای نظامی» جولای ۲۰۱۶ که عبدالله گولن در آن نیز نقش داشت، جابه جایی های مهم به ویژه در سلسله مراتب " نظامی - امنیتی" را باعث شد و ابعاد سانسور بدان حد گسترده شد که بیش از ۹۰ درصد مطبوعات و رسانه ها و تلویزیونها تحت کنترل اردوغان و باندهای سیاسی - اقتصادی - امنیتی هوادار او قرار گرفتند. سرکوب حقوق دموکراتیک مردم، تغییر قانون اساسی جهت مادام العمر کردن دیکتاتوری خود و... نمی توانست بدون عکس العمل از طرف بخشهای عظیمی از مردم که در دوران صدارت او فقیرتر، بی صدا تر و بی آینده تر گشته اند، نگردد. شکست

جناح اردوغان در انتخابات شهرداریها به ویژه در کلان شهرها با وجود تخلفات از طرف اردوغان در سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۴ همچنین زلزله سال ۲۰۲۳ که با ویرانیهها و کشتار عظیم همراه بود، همزمان به زلزله های سیاسی نیز دامن زد. بسیاری از شرکتهای ساختمانی یا وابسته به جناح اردوغان بودند و یا با رشوه از مجازات در امان ماندند. فسادهای عظیم و رانتهای نجومی، توده های مردم به ویژه جوانان را که جز صدارت اردوغان چهره دیگری را در عمر خود ندیده اند، شدیداً ضد رژیم نموده است. مبارزات توده‌ای عظیم مردم علیه گستاخی ها و رانت خواری های حکومت اردوغان که به جنبش (گری پارک) در استانبول در سال ۲۰۱۳ مشهور گشت، از مبارزات مهم توده‌ای بود که زنان، جوانان و دانشجویان در آن نقش مهمی داشتند.

همزمان با به قدرت رسیدن اردوغان قوانین شرعی در نظام سیاسی - اجتماعی و فرهنگی نیز تشدید یافت. قوانین شرعی بر زن ستیزی شونیستم ترک افزوده گشت و اوضاع خفقان آوری را برای زنان ترکیه ایجاد نمود. خروج اردوغان از «کنوانسیون پیشگیری و مبارزه علیه خشونت بر زنان» در سال ۲۰۲۱، به جنبش بسیار مهم زنان علیه حکومت دامن زد. تشدید زن کشی در این سالها جواب نر سالاران به مبارزات زنان و در جهت عقب راندن این مبارزات، خفه کردن روحیه مبارزاتی زنان و وادار کردن آنها به تسلیم بود. تنها در دو سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ بیش از ۱۰۵۰ زن توسط شوهر، شوهر سابق، نامزد، دوست پسر و یا خانواده به قتل رسیده اند و مرگ ۸۵۰ زن دیگر در این مدت «مشکوک» اعلام گشته است. اینها آمار رسمی سانسور شده اند! سریالهای متعدد تلویزیونی با اجازه رسمی دولت علناً خشونت علیه زنان را تبلیغ و آزار زنان را امری عادی در جامعه جازده و مشوق میلیونها نر سالار جهت خشونت بر زنان می گردند که باعث انتقادات شدید توسط بسیاری از زنان و روشنفکران گشته است. مبارزات عظیم زنان در مارچ ۲۰۱۸ در دفاع از مبارزات ملت کرد در سوریه به ویژه زنانی که در نبردهای نظامی شرکت داشتند و همچنین در ضدیت با قتل عام و اشغال نظامی این منطقه توسط ارتش فاشیستی دولت ترکیه جنبش زنان ترکیه و دفاع آنان از کوئیر ها را تقویت بخشید.

مردم، اپوزیسیون و نیروهای سرکوبگر نظامی - امنیتی

معمولاً مقام شهرداری استانبول پیش درآمد کاندیداتوری ریاست جمهوری در ترکیه است. خود اردوغان نیز از این طریق به ریاست رسیده است. زیرا شهردار استانبول شدن پیامدهای عظیم اقتصادی برای حزبی که شهردار به آن تعلق دارد خواهد داشت. داشتن منابع مالی عظیم و رانتهای نجومی به ایجاد پایه مهمی از میان سرمایه داران می انجامد و نقش بسیار مهمی برای گسترش نفوذ در میان اهالی و ساختار و مناسبات قدرت دولتی - امنیتی باز می کند. شکست حزب اردوغان در دو دوره در کلان شهر ها زنگ خطری برای از دست دادن انتخابات ریاست جمهوری می تواند باشد، به ویژه آن که با فقیر تر شدن مردم، اردوغان بخش های مهمی از پایه اجتماعی سابق و فرزندان بی آینده آنها را از دست داده است. امام اوغلو چند ساعت قبل از دستگیری در پیام ویدئویی خود نیروهای امنیتی - نظامی را که برای دستگیری او اقدام کرده اند را کسانی که او «بسیار دوستشان دارد» خطاب کرده و در ادامه و در اوج اعتراضات در پیامی از زندان از مردم می خواهد که از «هر گونه درگیری با نیروهای نظامی و امنیتی» امتناع ورزند.

آکویان رهبر حزب رویونیست ترکیه می گوید «مردم در میدانها با پرچم ترکیه و تصاویر کمال آتاتورک نماد استقلال و مبارزه ملی راهپیمائی می کنند» و باید یادآور شویم که همتای ایرانی آنها می گوید: «سنت سکولاریسم و مدرنیسم از زمان کمال آتاتورک یک سنت قوی در ترکیه معاصر است» (حزب کمونیست کارگری ایران - اطلاعیه ۱۲ فروردین-حمل-۱۴۰۴). این جریانات در واقع از موانع اساسی رشد و گسترش جنبش هم از لحاظ خطی و برنامه

و هم از لحاظ گسترش و توده‌ئی تر شدن آن می‌باشند. آتاتورک جلاد و فاشیست که نماد ایدئولوژیک دولت فاشیستی ترکیه به شمار می‌رود به مثابه نماد «استقلال و مبارزه ملی و سکولاریسم» مبدل می‌گردد! یکی از تظاهر کنندگان به نام علی، جوان ۲۲ ساله به خبرنگار الجزیره می‌گوید: «ما از اوضاع کنونی متنفریم. ما نگران زندگی و آینده هستیم... با نشستن و منتظر ماندن هیچ چیز تغییر نمی‌کند... باید همگی برای کسب حقوق خود به پاخیزیم..» مسعود پسر جوان دیگری می‌گوید: «ما نیاز به یک دیدگاه روشن و سازماندهی داریم. نیاز به یک برنامه و نقشه راه شفاف داریم»- ولی حزب اپوزیسیون برای سرکوب جوانان و جلب پایه‌های متزلزل اردوغان فراخوان "افطار" در پارکها می‌دهد و در رقابت با آنها اردوغان "عید فطر را به مسلمانان تبریک و خواستار " نابودی اسرائیل می‌گردد؟! اردوغان با فرسایشی کردن و کنترل و سرکوب تلاش دارد از رشد رادیکالیسم توده‌های عاصی جلوگیری و «حزب رویونیست» ترکیه با آستانبوسی جلادانی چون آتاتورک تلاش دارد جنبش را از مسیر اصلی خارج و آن را به بیراهه کشانند. درست زمانی که شرایط برای برافراشتن پرچم انقلابی پرولتاریا فراهم است.

اوجالان و اعتراضات اخیر

شهردار استانبول به «جرم» حمایت از «پ کا کا» که ارتجاع نام آن را حمایت از «تروریسم» نامیده، دستگیر شده است. اما اوجالان و پ کا کا چه در رابطه با دستگیری و چه اتهامات علیه امام اوغلو و چه حمایت از اعتراضات اخیر هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نداده‌اند. گزارشات میدانی خبر از شرکت نکردن میلیونها کُرد به ویژه در کلان شهرها و در تظاهراتهای اخیر دارد. برخی از فعالان سیاسی اظهار کرده‌اند «زمانی که اوجالان در مقابل انحلال پ کا کا و زمین گذاشتن سلاح حتی آزادی خود را شرط نگذاشته است، نباید انتظار زیادی از او (برای حمایت از اعتراضات) داشت...»! اردوغان و دارو دسته اش از موضع ضعف پای «صلح» رفتند، همانگونه که دستگیری شهردار استانبول از موضع ضعف بود. اردوغان و حکومت او فعالیتهای اوجالان و پ کا کا را زیر نظر دارند و از کوچکترین مخالفت علیه حکومت اردوغان برای تشدید سرکوبها علیه ملت کُرد استفاده خواهد کرد. اردوغان و حکومتش فکر می‌کردند که با تسلیم، خلع سلاح و انحلال پ کا کا در ترکیه و با برخی تفاوت‌ها در سوریه و کشیدن بخشهایی از کُردهای مقیم کلان شهرها- به ویژه استانبول و فراخوان انتخابات زود هنگام موقعیت و ادامه زمامداری خود را تضمین نمایند. اما مبارزات مردم اجرائی شدن برنامه حکومت را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. چه احزاب قانونی و چه حکومت ائتلافی اردوغان تقریباً همگی بر انتخابات زود هنگام توافق نظر دارند و هر دو قصد دارند از طریق محدود کردن افق مبارزات و به خدمت گرفتن آن در راستای "دعواهای جناحی" باعث سرکوب و فروکش کردن آن شوند. اما تضادهای عمیق دهها میلیون از اقشار و طبقات زیر خط فقر، جوانان و زنان و... و منافع واقعی آنها نیاز به پاسخ دارد! جابه جایی و تحولات در هرم قدرت قادر به حل اساسی هیچ کدام از مشکلات مردم نمی‌تواند باشد. تسلیم اوجالان و به ویژه تبدیل شدن نیروهای هوادار او و میلیون ها جوان کُرد که بخش اعظم آن شدیداً تحت استثمار و ستم قرار دارند؛ به نیروئی تماشگر ضربه مهمی به کمپ اعتراضات و مبارزات رادیکال علیه اردوغان است.

احزاب قانونی با محدود کردن خواسته‌های جنبش به آزادی امام اوغلو تلاش دارند از تعمیق آن جلوگیری نمایند. همزمان برخی خواسته‌های جزئی توسط اقشار میانی، همچون بایکوت کردن محصولات که سودشان به جیب سرمایه داران حامی اردوغان می‌رسد، افق جنبش را محدود می‌کنند زمانی که بخش عظیمی از مردم نگران نان شب‌اند و این شعار برای آنها عملاً بی‌معنی و بیگانه است.

اعتراضات ترکیه و قدرتهای امپریالیستی:

تمامی قدرتها و جناحهای امپریالیستی نه تنها چشم خود را به روی وقایع بحرانی، سرکوبها، دستگیریها و خشونت ها بسته اند، بلکه منافع آنها فعلاً در دفاع از اردوغان است. چرا که با روی کار آمدن ترمپ و باز کردن راه سرکوب و فاشیسم و به دنبال آن ایجاد تحولات عظیم در مناسبات امریکا با روسیه، چین و اروپا برخی از تضادهای جهانی تشدید شده اند. امریکا به ترکیه برای فشار به اروپا و روسیه نیاز دارد، اروپا هم به ترکیه برای تقویت توان نظامی و تبدیل به یک قدرت جهانی نیاز دارد و روسیه و چین هم برای باز کردن جای پای محکم در اروپا به ترکیه وابسته اند. به همین دلایل است که فعلاً کشمکش بروی تأثیر گذاشتن بر حکومت اردوغان و نزدیکتر شدن به آن در راستای منافع ژئوپولیتیک و ستراتیژیک، جنبه عمده مناسبات امپریالیست ها با ترکیه را دارد.

اما این نیاز ها در درون رقابتها می توانند به ضد خود بدل گردند و نزدیکی به یکی محرک فشار دیگران گردد. در چنین شرایطی نمی توان از قبل تعیین کرد و یا تشخیص داد که از درون آن چه تحولاتی و یا بحران هائی می تواند شکل بگیرد اما پر واضح است که تضادها را حادثر و رژیم اردوغان را ضربه پذیر تر خواهد نمود.

نیروهای مسلط کنونی تلاش دارند خود را قدرت مطلق رهبری کننده جا زنند - اما این مسأله نمی تواند ابدیت یابد. دکتر مورات بیردال، پروفیسور اقتصاد دانشگاه استانبول می گوید «بسیاری از این تظاهراتها قبل از فراخوان احزاب توسط گروههای دانشجویی و چپ آغاز می گردند که پراکنده و کوچک اند و مستقل از احزاب رسمی و محدوده عملکرد آنان می باشند اما صدای آنها شنیده نمی شود. خواسته های آنها فراتر از آزادی امام اوغلو است، آنها آزادی زندانیان سیاسی را طلب می کنند. اتحادیه های کارگری در سکوت کامل اند. کُردها به علل مختلف نقشی ندارند جز شرکت تعدادی از نمایندگان در یک تظاهرات از حزب برابری و دموکراسی خلق (DEM) که هوادار گُردهاست. تظاهراتها از اقبشار مختلف تشکیل شده اند و آزادی امام اوغلو می تواند بخشی از آنها را راضی کند. اما بخش هائی هم موجودند که تن نخواهند داد و.....!» دولت ترکیه می خواهد به هر قیمتی است از رشد جنبش و خواسته های آن جلوگیری و صدای آنان را خاموش کند. از این جهت عمده حکومت دستگیری خیرنگاران، فعالان جوان، روشنگران، نیروهای چپ و رادیکال است. در مدت دو هفته نزدیک به ۵۰۰۰ دستگیر شده اند. بسیاری از وکلاء از جمله وکیل امام اوغلو هم دستگیر شده است. بیش از هزار حساب شبکه های اجتماعی گزارشگران خبری مستقل و مخالف رژیم با همکاری و هدایت ایلان ماسک بسته شده است. کانالهای تلویزیونی و مطبوعات دولتی هیچ گزارشی از مبارزات نمی دهند!

خطرات بسیاری موجود است اما مطلق و یک جانبه نمی توانند باشند، جنبه دیگر و قطب مخالف آن، فرصتهاست که لازم است جوانان، زنان، نیروهای رادیکال، روشنفکران و نیروهای کمونیست متحدانه و از طریق مبارزه بدانها پی برده و از آن به مثابه فرصتی برای جبران عقب ماندگیها، حد اکثر استفاده را نمایند. همانگونه که یکی از تظاهر کنندگان جوان بدرستی و با قدرت بیان نمود: «ما نیاز به یک نقشه و برنامه شفاف داریم!»

شکی نیست که این مبارزات می تواند زمینه را برای قدرت بخشیدن نیروهای انقلابی و پرولتری فراهم کند. زیرا تنها یک چنین نیروئی است که می تواند توده های مردم را از دام انتخاب بین «بد و بدتر» رهائی بخشد و مردم را به سوی رهائی واقعی رهنمون سازد.

جمعی از کمونیست های انقلابی - افغانستان/ جمعی از کمونیست های انقلابی - ایران

۲۳ فروردین - حمل ۱۴۰۴